

LECTURES CLE EN FRANÇAIS FACILE

خواندن متون فرانسه ساده

LE GRAND MEAULNES

مون بزرگ

ALAIN-FOURNIER

آلن فورنیه

مترجم: فائزه خداوردی

Adapté en français facile
par Brigitte Faucard-Martinez

ویراستار علمی: فرناز ساسانی
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



VesalBookshop.com

شابک	978-622-6454-14-8 :
شماره کتابشناسی ملی	۵۶۱۳۱۶۹ :
عنوان و نام پدیدآور	مون بزرگ/ نویسنده آلن فورنیه ؛ مترجم فائزه خداوردی ؛ ویراستار علمی فرناز ساسانی.
مشخصات نشر	تهران: کتابسرای وصال، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۲۰ ص.: مصور؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ سم.
پادداشت	فرانسه - فارسی.
پادداشت	عنوان اصلی: Le grand meaulnes
پادداشت	کتاب حاضر نخستین بار با عنوان "ملن بزرگ" با ترجمه محمدمهدی داهی توسط بنگاه نشر و ترجمه کتاب در سال ۱۳۴۳ منتشر شده است.
پادداشت	واژه نامه.
عنوان دیگر	ملن بزرگ
موضوع	داستان‌های فرانسه -- قرن ۲۰م.
موضوع	French fiction -- 20th century
رده بندی دیویی	۸۴۳/۹۱۴
رده بندی کنگره	PQ۲۶۳۰ /۴۷م۷ ۱۳۹۸
سرشناسه	فورنیه، آلن، ۱۸۸۶-۱۹۱۴م.
	Fournier, Alain
شناسه افزوده	خداوردی، فائزه، ۱۳۷۵-، مترجم
شناسه افزوده	khodaverdi, Faezeh
شناسه افزوده	ساسانی، فرناز، ۱۳۵۱-، ویراستار
شناسه افزوده	Sassani, Farnaz
وضعیت فهرست نویسی	فیبا :



عنوان: مون بزرگ

عنوان فرانسه: LE GRAND MEAULNES

نویسنده: آلن فورنیه

مترجم: فائزه خداوردی

قطع کتاب: رقعی

ناشر: کتابسرای وصال

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۵۴-۱۴-۸

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

«حق چاپ محفوظ است» هرگونه کپی برداری به صورت چاپی یا انتشار در فضای مجازی کاملاً ممنوع است.

مرکز پخش: فروشگاه انتشارات کتابسرای وصال

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان وصال شیرازی، پلاک ۱۹

شماره های تماس: ۰۲۱۶۶۹۶۸۲۲۳-۶۶۵۵۴۶۴۸

خودآن لاین VesalBookshop.com



ALAIN-FOURNIER, de son vrai nom Henri-Alban Fournier, naît le 3 octobre 1886, à La Chapelle-d'Angillon, dans le centre de la France. Ses parents sont instituteurs.

Il fait des études de lettres, à Paris. En 1910, il décide de vivre du journalisme et travaille pour *Paris-Journal*. C'est cette même année qu'il commence à écrire *Le Grand Meaulnes*.

Son roman paraît d'abord dans *La Nouvelle Revue Française* (de juillet à octobre 1913) puis en roman.

En août 1914, il part à la guerre et meurt au combat le 22 septembre 1914.

VesalBookshop.com

* * *

Crédits photographiques

Page 3 : © BIS / Ph. Coll. Archives Larbor

Page 5 : LiliGraphie

Page 6 : Graphithèque/fotolia

Couverture : happystock/fotolia

Direction éditoriale : Béatrice Rego

Marketing : Thierry Lucas

Couverture : Fernando San Martin

Mise en pages : Isabelle Vacher

Illustrations : Conrado Giusti

Enregistrements : Vincent Bund

© CLE international, 2017

ISBN : 978-209-031783-1

آلن فورنیه، با نام اصلی هانری آلبن فورنیه، سه اکتبر ۱۸۸۶، در منطقه‌ی شاپل دانتیون، در مرکز فرانسه متولد می‌شود. پدر و مادر وی هر دو آموزگار هستند. او تحصیلات خود در را در زمینه‌ی ادبیات، در پاریس به انجام می‌رساند. در سال ۱۹۱۰، تصمیم می‌گیرد از راه روزنامه نگاری امرار معاش کند و در روزنامه‌ی پاریس- ژورنال مشغول به کار می‌شود. در همین سال است که وی نوشتن کتاب "مون بزرگ" را آغاز می‌کند. رمان او در ابتدا در مجله‌ی ادبی "نوول روو فرانسز" (از ژوئیه تا اکتبر ۱۹۱۳) منتشر می‌شود و سپس به عنوان رمان به چاپ می‌رسد. در اوت ۱۹۱۴، وی به جنگ می‌رود و در ۲۲ سپتامبر همان سال در جبهه نبرد کشته می‌شود.

Le Grand Meaulnes est un roman autobiographique et d'adolescence.

Autobiographique car, pour créer l'intrigue de son roman, Alain-Fournier s'inspire d'épisodes de sa vie. Par exemple, le narrateur, François Seurel, est fils d'instituteurs, tout comme l'auteur. D'autre part, en 1905, Alain-Fournier rencontre à Paris une jeune femme, Yvonne de Quièvrecourt, et il tombe éperdument amoureux d'elle. Elle deviendra l'Yvonne du *Grand Meaulnes*. Il a aussi une aventure avec une couturière, qui deviendra Valentine, dans son roman. Autre point autobiographique : l'endroit où se déroule l'histoire, c'est-à-dire la Sologne, lieu où Alain-Fournier passe ses vacances et qu'il aime particulièrement.

Le roman est aussi un roman d'adolescence : les épreuves que vivent le héros, Augustin Meaulnes, et ses compagnons, François et Frantz, leur permettent de « grandir » et de passer de l'adolescence à l'âge adulte.

Ce roman, à la fois réaliste et magique, qui a manqué de peu le prix Goncourt, continue à attirer un grand nombre de lecteurs, adolescents ou adultes.

Les mots ou expressions suivis d'un astérisque* dans le texte sont expliqués dans le Vocabulaire, page 58.

مون بزرگ، رمانی در خصوص زندگی نامه‌ی نویسنده و دوران نوجوانی است.

خودزندگی‌نامه‌ی نویسنده، زیرا آلن فورنیه برای آفریدن موضوع رمان خویش از وقایع زندگی خود الهام می‌گیرد. برای نمونه، فرانسوا سورل، راوی داستان، مانند نویسنده، پسر دو آموزگار است. از سوی دیگر، آلن فورنیه در سال ۱۹۰۵، با زن جوانی به نام ایوون دو کیوروکور در پاریس آشنا و عاشق او می‌شود. این زن جوان، در شخصیت ایوون در مون بزرگ ظاهر می‌شود. وی نیز با زن خیاطی آشنا می‌شود که در قالب شخصیت ولانتین در داستان به تصویر در می‌آید. دیگر ویژگی خودزندگی‌نامه؛ مکانی که داستان در آنجا جریان دارد، منطقه سولونی است، که آلن فورنیه به طور خاصی دوست دارد و تعطیلاتش را در آنجا می‌گذراند.

رمان، همچنین یک رمان دوره نوجوانی است؛ سختی‌هایی که قهرمان داستان در آن زندگی می‌کند، آگوستن مون، و دوستانش، فرانسوا و فرانتس، به آن‌ها اجازه می‌دهد "بزرگ شوند" و از سن نوجوانی به بزرگسالی پاگذارند. این رمان، در عین حال آنکه واقع گرایانه و سحرآمیز است، با اختلاف اندکی جایزه گنکور را از دست داد و تا به امروز توجه انبوه کثیری از خوانندگان نوجوان و بزرگسال را به خود جلب می‌کند.





IL EST ARRIVÉ chez nous un dimanche de novembre...
 Nous habitons à l'école de Saint-Agathe. Mon père, que j'appelais M. Seurel, comme les autres élèves, s'occupait du Cours Supérieur, qui préparait au brevet¹ d'instituteur, et le Cours Moyen. Ma mère, que nous appelions tous Millie, faisait la classe aux petits.

J'avais quinze ans.

Le jour de l'arrivée de Meaulnes, il faisait froid. Je revenais du village quand j'ai vu une femme qui frappait à la porte de la maison. Je lui ai dit d'entrer et j'ai appelé Millie. Ma mère est aussitôt apparue dans la salle à manger avec un nouveau chapeau sur la tête. Elle m'a souri et a dit :

– Regarde, François, le nouveau chapeau...

Mais elle a vu la dame et s'est arrêtée. Elle a retiré son chapeau et l'a saluée.

– Bonjour madame Seurel, a dit cette dernière, je suis madame Meaulnes. Je suis venue avec Augustin, mon fils, qui va être pensionnaire² chez vous pour suivre le Cours Supérieur.

– En effet, madame, a dit Millie, mais je vous attendais cet après-midi.

– J'ai préféré faire la route ce matin, à cause du froid. Mais, où est Augustin ? Il était avec moi tout à l'heure. Ce garçon est vraiment imprévisible.

On a alors entendu un bruit de pas au grenier. Puis quelqu'un a descendu l'escalier.

– C'est toi, Augustin ? a demandé la dame.

Un grand garçon de dix-sept ans est arrivé dans la pièce. Il souriait. Il m'a vu et a dit :

1. Brevet d'instituteur : diplôme qui permet de devenir instituteur.

2. Pensionnaire : élève qui vit dans l'école où il fait ses études.

بخش اول

در یکی از یکشنبه های ماه نوامبر به خانه ی ما آمد...
ما در مدرسه ی سنت آگات زندگی می کردیم. پدرم، که مانند شاگردان دیگر، من نیز او را آقای سورل می خواندم، هم دوره ی متوسطه را اداره می کرد و هم دوره ی عالی را، که دانش آموزان برای گرفتن گواهی آموزگاری پشت سر می گذاشتند. مادرم، که همه او را میلی صدا می زدیم، دوره ی ابتدایی را درس می داد.
من پانزده سال داشتم.

روز رسیدن مون، هوا سرد بود. از دهکده که بازمی گشتم، زنی را دیدم که به در خانه ضربه می زند. به او گفتم وارد شود و میلی را صدا زدم. مادرم بلافاصله در سالن غذاخوری با کلاه جدیدی که بر سر داشت ظاهر شد. به من خندید و گفت:

- فرانسوا، نگاه کن، کلاه جدید ...

اما زن را دید و ساکت شد. کلاهش را برداشت و به او سلام کرد.
در ادامه گفت: روز بخیر خانم سورل، من خانم مون هستم. به همراه پسر، آگوستن آمده ام، او می خواهد تحصیلات عالی خود را به عنوان شاگرد سرخونه در خانه ی شما ادامه دهد.

میلی گفت: خانم، درواقع، من بعدازظهر امروز منتظر شما بودم.
- به علت سرما، ترجیح دادم که صبح امروز بیایم. اما، آگوستن کجاست؟ او تا الان با من بود. این پسر واقعا غیرقابل پیش بینی است.
سپس صدای پایی از اتاق زیر شیروانی به گوشمان رسید. سپس، کسی از پله ها پایین آمد.

زن پرسید: تویی آگوستن؟
پسر بلند بالای هفده ساله ای در اتاق ظاهر شد. می خندید. چشمش به من افتاد و گفت: